

نیل به تمدن نوین اسلامی در گام دوم انقلاب

محمدصادق احمدی^۱

محمدعلی قمی^۲

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

تمدن به معنای آراسته بودن به اخلاق و دوری از خشونت است که در بردارندهٔ ادب و تربیت کامل است و این تربیت به گونه‌ای است که تربیت اجتماعی را شامل می‌شود. تمدن اسلامی یک مفهوم فراتاریخی است که هم بر تجربهٔ تمدنی پیشین مسلمانان اطلاق می‌شود و هم برای تمدن نوین و پیش روی اسلامی به کار می‌رود. مهم‌ترین تقسیم‌بندی تمدن‌ها، تقسیم آن‌ها از نظر بنیان معرفتی است.

در دیدگاه انقلاب اسلامی، تمدن اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت و قانون است، چنانکه مدینه‌النبی بر همین ارکان استوار شد و تمدنی را ایجاد کرد که مبانی آن، قرآن و سنت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. تمدن نوین اسلامی همانند هر تمدن دیگری یکباره شکل نخواهد گرفت. بدون تردید، بیداری اسلامی در سده‌های معاصر را باید نقطه آغاز شکل‌گیری تمدن جدید اسلامی شمرد. این حرکت با پیدایش جنبش‌های اسلامی در سرزمین‌های مختلف اسلامی، وارد مرحله‌ای نو شد و سپس با انقلاب اسلامی در ایران و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، تثبیت شد. فرایند رسیدن به تمدن اسلامی و حصول تمدن اسلامی، همان فرایند پیچیده و طولانی همه تمدن‌هاست و نقطه غایی آن هم دوران ظهور حضرت بقیه‌الله أرواحنا فداه است.

بزرگ‌ترین چالش در برابر تمدن نوین اسلامی، تمدن غرب است و تمدن اسلامی باید با هوشیاری تمام در برابر مانع‌تراشی تمدن غرب ایستادگی کند و یکی از اهرم‌های تمدن اسلامی، انواع ظرفیت‌های موجود در تمدن غرب است.

دل خوش کردن به یک تغییر ظاهری و راه‌حل کاذب برای دست یافتن به تمدن، کنار کشیدن و به بستر عافیت رفتن و فریب خوردن و تن دادن و پذیرفتن شعارها و حرف‌ها و

۱ نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی دانشگاه
۲ نویسنده همکار، رئیس پژوهشکده اسلام و غرب



تبلیغات، غفلت که به انهدام اخلاقی و انحراف فکری و هزیمت روحی می انجامد، بدبینی و تحقیر ملت و آینده خود و غفلت از پیشینه تمدنی، محدود ماندن به بخش ابزاری تمدن، مانند علم و صنعت و سیاست و اقتصاد و اعتبار بین المللی و عدم اهتمام و پیشرفت در بخش متن تمدن زندگی و بخش واقعی تمدن که متن زندگی است، تبلی و کوتاهی و خودخواهی و دنیاپرستی و دل دادن به ظواهر و ریزش شخصی در درون و ریزش اجتماعی در بیرون موجب دیرتر رسیدن به تمدن است.

واژگان کلیدی

تمدن اسلامی، گام دوم، ریزش اجتماعی، انهدام اخلاقی، اعتبار بین المللی

مقدمه

«تمدن» معادل «Civilization» در لغت به معنای آراسته بودن به اخلاق و دوری از خشونت است که در بردارنده ادب و تربیت کامل است و این تربیت به گونه ای است که تربیت اجتماعی را شامل می شود (دهخدا، ج ۴: ۶۱۰۹؛ اکبری، ۱۳۸۶: ۱۴۸). این تعریف از تمدن، آن را عامل اعتلای خلاقیت فرهنگی معرفی می نماید. در اصطلاح، تمدن به نظام های بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره دارد که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور در برگرفته و برخوردار از فرهنگ گسترده و پرورده نوشتاری می باشد (ولایتی، ۱۳۸۶: ۲۱). اندیشمندان دیگری هم در باب تمدن نظراتی بیان کرده اند که به نظر برخی مانند فرنان بروئل، تمدن و فرهنگ بسیار به هم نزدیک هستند و برخی فرهنگ را همان تمدن می دانند و به عنوان یک کلیت منسجم معرفی می کنند.

تمدن در نگاه انقلاب اسلامی به معنای بالاترین و گسترده ترین سطح پیشرفت یک جامعه است و به مثابه یک کل است که اجزاء خاصی را در بر می گیرد، مثلاً پس از اشاره به اینکه تمدن مسلمان ها، فوق دیگر تمدن ها بوده، معنویت، مردان سیاست و حکومت مسلمانان را هم با عباراتی که گویی در شرح و بسط تمدن سخن می گویند، برتر از دیگران شمرده اند (صحیفه، ج ۱: ۳۷۴). این دیدگاه، ضمن نقد تعریف گوستاو لوبون، از تمدن اسلامی که آن را در وجه مادی منحصر کرده (صحیفه، ج ۱: ۳۸۲ - ۳۸۳) به اعم بودن تمدن از وجوه



مادی و معنوی جامعه و نیز فرهنگ و دانشگاه اشاره نموده است (صحیفه، ج ۴: ۲۷۰) که البته بر برتر بودن جهت انسانی و معنوی بر بعد مادی بسیار تأکید شده است (صحیفه، ج ۹: ۶۱) که نشان می‌دهد مهم‌ترین جزء و عنصر یک تمدن، فرهنگ است (دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ۵).

در نگاه انقلاب اسلامی نوعی هم‌سطحی تمدن با مؤلفه‌هایی مانند پیشرفت‌های مادی، فرهنگ، صنعت، فلسفه و حکمت، حکومت، دین، اخلاق، علم، تحقیق و فرآورده‌های بشری دیده می‌شود که در این صورت می‌توان گفت در این عبارات، تمدن به‌عنوان بالاترین سطح پیشرفت همه‌جانبه در نظر گرفته نشده، بلکه تمدن هم در کنار مؤلفه‌هایی که نام برده شد، بخشی یا جلوه‌ای از پیشرفت به حساب می‌آید (بیانات در تاریخ‌های ۱۳۶۸/۴/۱۹، ۱۳۶۹/۹/۸، ۱۳۶۹/۱۱/۴، ۱۳۷۰/۳/۲۶، ۱۳۷۰/۵/۳۰، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵، ۱۳۷۴/۱/۳، ۱۳۷۶/۹/۷، ۱۳۷۷/۱۲/۶، ۱۳۷۹/۷/۱۴، ۱۳۸۴/۲/۱۲، ۱۳۸۴/۲/۱۸، ۱۳۸۴/۷/۲۱، ۱۳۸۴/۹/۷ و ۱۳۹۱/۶/۸).

مراد از تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد (جان‌احمدی، ۱۳۸۶: ۵۱) و اسلام در نقطه کانونی و محوری آن است. در نگاه انقلابی با تفکیک بین مظاهر تمدن و مبانی و کارکردها و ویژگی‌های تمدن و تصریح بر اینکه اسلام با مظاهر تمدن مخالف نیست، اسلامیت تمدن به این معانی و یا قابل سنجش با این شاخص‌ها شمرده شده است.

پیشینه تحولات تمدن اسلامی

تمدن اسلامی یک مفهوم فراتاریخی است که هم بر تجربه تمدنی پیشین مسلمانان اطلاق می‌شود و هم برای تمدن نوین و پیش روی اسلامی به کار می‌رود. انقلاب اسلامی همواره از تمدن گذشته به نیکی و همراه با تکریم یاد کرده و ارزش‌ها و دستاوردهای آن را ستوده و به بیان مبانی و سازوکارهای تحقق آن علاقه نشان داده است. انقلاب اسلامی، تمدن گذشته اسلامی را مشعشع‌ترین و نورانی‌ترین و فوق تمدن‌ها و معنویات آن را بالاترین معنویات و رجال آن را برجسته‌ترین رجال و توسعه ممالک اسلامی را بیشتر از همه ممالک می‌داند که مسلمانان هم در پرتو آن به اوج عظمت و اقتدار و آقایی رسیده بودند (موسوی خمینی، ج ۱: ۳۷۵ و ج ۲: ۱۷۸).



تمدن اسلامی با بعثت پیامبر آغاز شد و در عهد مکی ضمن پی‌ریزی بنیان‌های معرفتی، به تربیت نیروهایی اختصاص یافت که توان نقش‌آفرینی در پایه‌گذاری یک جامعه در مسیر تمدن را داشته باشند. پس از هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از مکه به مدینه، زمینه مناسبی برای پایه‌گذاری این جامعه فراهم آمد و تقریباً پایه نخست تمامی اقداماتی که بعدها در گستره تمدن اسلامی رخ نمود، در عهد مدنی پیامبر نهاده شد. در حقیقت، پیامبر در آن روزگار با ترسیم خطوط اصلی و کوشش برای استوار ساختن پایه‌ها، نه یک تمدن، بلکه تمدن‌هایی را پایه‌ریزی کرد (بیانات در تاریخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۰ و ۱۳۷۷/۲/۱۸).

نخستین فرآورده سیاسی - انسانی آن دوره را باید امت اسلامی دانست که از مدینه‌النبی آغاز شد و قدم در راه رشد کمی و کیفی نهاد و در فاصله‌ای کم از شرق به دیوار چین و از سوی دیگر به سواحل اقیانوس اطلس و از شمال تا استپ‌های سیبری و از جنوب تا جنوب اقیانوس هند دامن گستراند. (بیانات در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۱۸)؛ به این ترتیب تعالیم اسلام توانست یک قدرت سیاسی برتر، یک قدرت علمی برتر، یک دنیا‌آرایی و کشورداری و به‌کارگیری همه نیروهای زنده و سازنده و فعال و عظمتی پدید آورد که همه دنیا و همه تمدن‌های امروز مدیون آن هستند (بیانات در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۹ و ۱۳۹۴/۶/۲۹).

بازیابی تمدن نوین اسلامی

در بینش سیاسی انقلاب اسلامی، امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می‌تواند تمدن اسلامی دوران جدید را طراحی و شالوده‌ریزی کرده، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد (بیانات در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۸). حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران است، چنانکه ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری هیچ موقعیتی نداشت، چنانکه در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت (بیانات در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). انقلاب اسلامی ایران به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور ایران که در دوران پهلوی و قاجار و سایر حکومت‌های پادشاهی به شدت تحقیر شده و عقب مانده بود را در مسیر پیشرفت سریع قرار داد. در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است، در کانون مدیریت کشور وارد کرد، آنگاه



جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرده، روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد (بیانات در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

انقلاب اسلامی درصدد است که ایران را به‌عنوان الگوی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کند، البته الگوی کشور اسلامی به این معنا نیست که در این کشور همه مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلات باشند، بلکه در کنار این معنویت، پیشرفت مادی، رشد علمی، توسعه عدالت، کم شدن فاصله‌های طبقاتی، برداشته شدن نمونه‌ها و قله‌های اشرافی‌گری و سایر خصوصیات جامعه اسلامی دیده می‌شود. با الگوسازی و نمونه‌سازی، ملت‌های دیگر مسلمان هم راه بازیابی تمدن نوین اسلامی را پیدا می‌کنند (بیانات در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۱).

سطوح و ابعاد تمدن اسلامی

سطوح

تمدن اسلامی را می‌توان و باید در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی ملاحظه نمود. در سطح ملی، ظهور تمدن اسلامی در سطح کشورهای مسلمان و در سطح منطقه‌ای، جلوه این تمدن در جهان اسلام و در سطح جهانی، تمدن عالم‌گیر اسلامی ظاهر می‌شود.

۱. ملی

هدف تمدن اسلامی در سطح ملی، استقلال ملت‌ها و آزادی انسان‌ها در تعیین سرنوشت خویش است. در این سطح علاوه بر شکوفایی اقتصادی و هنری و علمی و فرهنگی در کشور و درون‌زا بودن ظرفیت‌های تولید ارزشی و دانشی، به نفی دخالت اجانب و استعمار نظام سلطه توجه ویژه می‌شود. در حقیقت، جامعه اسلامی در سطح ملی مقدمه برای رسیدن به تمدن اسلامی در سطح کلان است.

۲. منطقه‌ای

تمدن اسلامی در سطح منطقه‌ای به معنای شکل‌گیری جمهوری‌های مستقل اسلامی متشکل از دولت‌های مستقل اسلامی است که به تمدن‌های رقیب اجازه ورود به تمدن اسلامی را نمی‌دهند. استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی جهان اسلام، مانند نفت و در اختیار گرفتن سایر



بازارهای مالی جهان اسلام و اتکا به ظرفیت غنی تولید دانش متکی به سنت اسلامی و بازآفرینی هنر و معماری اسلامی، به تبلور رسیدن تمدن اسلامی در سطح منطقه و جهان اسلام است.

۳. جهانی

به طور کلی مفهوم رسالت جهان شمول دین اسلام، یکی از محورهای مهم برای تمدن اسلامی است (غراب، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۵). نخستین آیه در قرآن که رسالت جهانی پیامبر اسلام را گوشزد کرده است، آیه ۱۵۸ سوره اعراف است که طی آن خداوند به تصریح به پیامبرش فرمان داده تا از رسالت جهانی و عمومی خویش پرده برداشته و مردم را از آن مطلع نماید: (قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيُّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ)

طبق این آیه، خداوند به همه مردم و به طور خاص، اهل کتاب می‌فرماید که رسالت پیامبر، اسلامی جهانی است و صرفاً شامل اعراب غیرکتابی نمی‌شود (دروزه، ۱۴۲۱، ج ۲: ۴۶۲). در آیات دیگر نیز بعضاً به تصریح خطاب به اهل کتاب، اسلام را دین جهانی می‌خواند که اهل کتاب را نیز از نظر دور نداشته است (انعام: ۹۲ و شوری: ۷). در آیه ۴۸ سوره مائده نیز به طور خاص قرآن را نسبت به کتاب مقدس دارای هیمنه و سلطه معرفی می‌کند که به آن نظر داشته و آن را تکمیل کرده است: (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمَنْهَاجًا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ)

بسیاری از تلاش‌های مسلمانان در فتوحات سرزمین‌های جدید نیز مؤید همین بوده و با پشتوانه رسالت جهانی اسلام انجام شده است تا از طریق فتح سرزمین‌های جدید، پیام و بشارت آسمانی دین اسلام به مردم جدید ابلاغ شود. ارسال نامه از سوی رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به سران ممالک همجوار نیز در همین راستا بود که در کتب تاریخی معتبر ثبت شده است.



ابعاد

تمدن اسلامی به هر دو بعد مادی و معنوی انسان توجه داشته و سعی دارد هر دو را توأمان و با ملاحظه دیگری به پیش ببرد. در تمدن اسلامی مظاهر تمدنی باید مهار در معنویت مورد نظر اسلام باشد که به مشاهده حق تعالی در طبیعت به عنوان نشانه الهی می‌انجامد (موسوی خمینی، ج ۸: ۵۱۷ و ج ۹: ۱۲). که نتیجه آن، ایجاد آرامش در وجود انسان است (موسوی خمینی، ج ۹: ۸۲ و ۸۳).

تمدن اسلامی با محوریت قرآن و اسلام می‌تواند همه ابعاد انسان را بسازد و کلیه احتیاجات فردی و اجتماعی او را برآورده سازد؛ بنابراین، تمدن اسلامی با ابعادی بسیار وسیع در زندگی انسان‌ها وارد می‌شود (موسوی خمینی، ج ۴: ۴۴۹). اسلام به عنوان یک دین تمدن‌ساز بر خلاف مسیحیت است؛ زیرا تنها یک رابطه معنوی بین انسان و خدا و محدود به دعا و زیارت نیست، بلکه اسلام برای مرحله پیش از تولد انسان تا تولد و زندگی خانوادگی و ورود به اجتماع و تا روابط با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها برنامه دارد (موسوی خمینی، ج ۲: ۳۰ و ۳۱)؛ همچنین تمدن اسلامی نسبت به مظاهر تمدن بشری نگاه مثبتی دارد و خود را با پیشرفت و نوآوری‌های مفید بشر که حاصل تجربه‌های اوست، سازگار می‌داند (موسوی خمینی، ج ۳: ۵۰۶؛ ج ۵: ۴۰۹). این کلام به معنای این نیست که هر آنچه در تمدن غرب تولید شود، حتماً دارای ارزش شمرده می‌شود و نیز نوع استفاده غربی‌ها از این مظاهر هم الزاماً مورد تأیید نیست؛ زیرا برخی از آن‌ها اگر با معیارهای اسلامی سنجیده شود، به توحش نزدیک‌تر است تا تمدن (موسوی خمینی، ج ۸: ۳۰۹).

جایگاه کنونی انقلاب اسلامی در فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

خطی که نظام اسلام ترسیم کرده است، رسیدن به تمدن اسلامی است با علم به اینکه تمدن حقیقی اسلامی و صورت کامل در دوران ظهور رخ خواهد نمود (بیانات در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴). انقلاب اسلامی در وضعیت کنونی در گام سوم فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرین است که همان دولت‌سازی است.



انقلاب اسلامی و تأسیس نظام اسلامی

مراحل اول و دوم شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی عبارت از انقلاب و نظام‌سازی است که هر دو در تجربه انقلاب اسلامی اجرا شده است. یک حکومت به مثابه مهم‌ترین و نافذترین نهاد اجتماعی، تأثیر زیادی بر همه شئون و امور و ارکان و اجزاء می‌تواند بگذارد و همه امکانات کشور را در خدمت تحقق تمدن نوین اسلامی به کار گیرد. نظام جمهوری اسلامی براساس یک خط حرکت معقول و منطقی تکاملی غیر قابل توقف که برای خود ترسیم کرده است، این سرنوشت حتمی را دنبال می‌کند که یک بار دیگر تمدن اسلامی بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند و این سرنوشت با توجه به ریشه‌های عمیق تفکر اسلامی در کشور ما و حرکت گسترده‌ای از آغاز انقلاب برای تعمیق این اندیشه آغاز شده است قطعی و اجتناب‌ناپذیر است (بیانات در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴).

اگر همین روند حفظ وحدت و آگاهی و پیوند با مسئولان در جمهوری اسلامی ایران ادامه پیدا کند، این نظام این امکان را پیدا خواهد کرد که پایه‌های تمدن اسلامی را در کشور و بلکه همه جوامع اسلامی مستحکم کند (بیانات در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۶). این کشور با شکوفا شدن استعدادهایش باید به‌سوی نمایش تمدن عظیم اسلامی در مقابل چشم جهانیان حرکت کند (بیانات در تاریخ ۱۳۷۷/۱/۲۷). هدف، ساختن کشوری الگوست که به مصداق «لتکونوا شهداء علی الناس» بر همه مدنیت‌ها و تمدن‌ها الگو باشد (بیانات در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۱۱).

دولت اسلامی

داعیه انقلاب اسلامی ایجاد تمدنی است متکی به معنویت و خدا و وحی و هدایت الهی (بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۳۱)، به‌منظور نیل به تمدن نوین اسلامی (بیانات در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۷). مراحل شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی عبارت است از انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، تشکیل کشور اسلامی و در نهایت نیل به تمدن نوین اسلامی. اکنون انقلاب اسلامی در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار دارد (بیانات در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۶) و هدف نهایی‌اش نیز ایجاد تمدن اسلامی بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق است (بیانات در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۶).



ایجاد دولت اسلامی یعنی تشکیل منش و روش دولتمردان به گونه اسلامی که به تدریج و با تلاش باید به وجود آید. در چنین دولتی، مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به يك مسئول دولت اسلامی است، تطبیق دهد یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند (بیانات در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۲۱).

به لحاظ مصداقی، ظرفیت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران در همین چهارچوب مدنظر قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال، حمایت ایران از زبان فارسی به‌عنوان یکی از زبان‌های تمدن اسلامی که بهترین حامل و رسانه برای معارف و افکار و نوآوری و تمدن عمیق اسلامی به حساب می‌آید (بیانات در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۲) و یا حمایت از استحکام و شادابی و سرزندگی حکمت متعالیه به‌عنوان یک پایه مستحکم و متقن و قابل قبول برای بنای تمدن نوین اسلامی (بیانات در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۱)، توان استفاده از امکانات جغرافیایی و تاریخی و قومی موهوب الهی، مانند منابع طبیعی، مانند نفت و گاز (بیانات در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۱)، فراهم آوردن فضای مصاف با معضلات جدید و چالش با دیگر مکاتب و تمدن‌ها و بیدار کردن عقل جمعی از طریق مشاوره و مناظره و هدایت علماء و صاحب‌نظران و تولید علم و اندیشه دینی (بیانات در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۶)، پیشرفت در زمینه کشاورزی و صنعت و تحقیقات و سیاست که به برکت آن‌ها می‌توان به قله افتخارات تمدنی رسید (بیانات در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۴)، در اختیار داشتن فکر و نیروی انسانی و تولید علم و فناوری و نهضت نرم‌افزاری (بیانات در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۵)، سامان دادن استعداد ایرانی که در زمینه‌های علمی بالاتر از متوسط سطح استعداد جهانی است و زمینه‌های طبیعی و جمعیتی و سرزمینی (بیانات در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۳)، به‌خاطر استعداد و ظرفیت‌های طبیعی و اسلام و ایمان و ایرانی بودنمان، حق ماست که در قله تمدن بشری قرار بگیریم (بیانات در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۹)، ظرفیت خصوصیت استثنائی ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت با هم (بیانات در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۰)، احیاء گنجینه‌های بسیار زیادی که در عمق تاریخ ما وجود دارد و با احیاء آن، ثروت و فناوری و علم و قدرت بیان و جایگاه برتر در معادلات جهانی در مسیر تمدن‌سازی به ما می‌دهد (بیانات در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۸)، دست یافتن به ریزه‌کاری‌ها و



سرفصل‌های مهمی درباره یکی از اساسی‌ترین مسائل هر تمدنی یعنی زنان (بیانات در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱)، پیشرفت در بخش ابزاری تمدن مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، مسائل اجتماعی، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار جهانی (بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳) و استحکام ساخت درونی نظام، رشد علم، اساس قرار گرفتن تولید داخلی، نگاه خوشبینانه به استعداد‌های بومی کشور (بیانات در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۲۶).

الگو شدن و الهام‌بخشی برای دیگر کشورهای اسلامی

گرچه در یک فرایند طبیعی، وقتی دولت اسلامی پدید آمد، کشور اسلامی پدید می‌آید و وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی پدید می‌آید و آن‌وقت فرهنگ اسلام، فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت (بیانات در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۸)؛ ولی ملت ایران گام بلندی برداشت و حرکتی جدید و جریانی نو پدید آورد که به یک تمدن جدید می‌انجامد و نظام جمهوری اسلامی این امکان را دارد که پایه‌های تمدن اسلامی را در همه کشورهای اسلامی و جوامع اسلامی مستحکم کند (بیانات در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۶) و ملت‌های مسلمان هم متأثر از انقلاب، احساس هویت کردند و شخصیت پیدا کردند و احساس کردند می‌توانند عقب‌افتادگی‌های خود را جبران کنند (بیانات در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۸).

امروزه سطوح حساس تمدن غرب، تشنه اسلام است؛ به این معنی که دانشمندان و متفکران و انسان‌های باوجدان و جوانان در جوامع غربی، تشنه مکتب و درسی هستند که بتواند آن‌ها را از دشواری‌های حقیقی زندگی نجات دهد و این در حالی است که انسان‌های آگاه، چشم به اسلام دوخته‌اند و به طور مشخص بر اسلام تکیه می‌کنند (بیانات در تاریخ ۱۳۷۴/۳/۳)؛ بنابراین، با توجه به جوهره پیام انقلاب که همان پیام وارد کردن عنصر معنویت در زندگی است، حتی در جوامع غیرمسلمان و مسیحی اثر گذاشت (بیانات در تاریخ ۱۳۷۴/۳/۱۴). تداوم انقلاب‌ها الزاماً به مسئله نظام‌سازی و قانون‌نویسی و مدیریت کشورها می‌انجامد که همان مسئله مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است (بیانات در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).



چالش‌های فراوری انقلاب اسلامی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی

دل خوش کردن به یک تغییر ظاهری و راه‌حل کاذب برای دست یافتن به تمدن (بیانات در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۲)، کنار کشیدن و به بستر عافیت رفتن و فریب خوردن و تن دادن و پذیرفتن شعارها و حرف‌ها و تبلیغات (بیانات در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۱۱)، غفلت که به انهدام اخلاقی و انحراف فکری و هزیمت روحی می‌انجامد (بیانات در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۹)، بدبینی به خود و تحقیر خود و ملت خود و آینده خود و غفلت از پیشینه تمدنی (بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۲)، محدود ماندن به بخش ابزاری تمدن، مانند علم و صنعت و سیاست و اقتصاد و اعتبار بین‌المللی و عدم اهتمام و پیشرفت در بخش متن تمدن زندگی و بخش واقعی تمدن که متن زندگی است (بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳)، تنبلی و کوتاهی و خودخواهی و دنیاپرستی و دل دادن به ظواهر و ریزش شخصی در درون و ریزش اجتماعی در بیرون، موجب دیرتر رسیدن به تمدن است (بیانات در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۲۶ و ۱۳۸۴/۵/۲۸).

تصلب فرهنگی و جمود تمدنی

تصلب در تمدن که به دلیل عدم توجه به شرایط و مقتضیات محیطی سبب تحجر شده و تمدن را از پاسخگویی به شرایط و مقتضیات زمانی عاجز می‌کند، سبب بسته شدن حیات فردی و اجتماعی تمدن اسلامی شده و استمرار تاریخی آن را با مشکل مواجه می‌کند. با این برداشت از تمدن، بنیادگرایی در جهان اسلام رشد نموده و تمدن اسلامی به تمدنی متصلب و متحجر تبدیل می‌شود (درخشه، ۱۳۹۰: ۴۴۶-۴۵۶).

تضعیف نقش دین

چالش دیگر، بی‌خبری از کارایی و نقش سازنده و تعیین‌کننده روحانیون در مسائل روز و سیاست‌های بین‌المللی است و متأثر از القائنات گمان می‌برند که در عصر تمدن و تکنیک و صنعت و تحولات علمی، نفوذ روحانیت کم شده است (موسوی خمینی، ج ۲۰: ۳۳۵).

تقلید از غرب

چالش دیگر، ادامه نگاه برتر به تمدن غرب و بت تراشیدن از آن و تحقیر خودی‌ها و تزریق روحیه پیروی و تقلید در جوانان است (موسوی خمینی، ج ۲۱: ۹۶). تقلید کورکورانه از غرب هم یکی از چالش‌های جدی است (بیانات در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴).

اباحه فرهنگی و استحاله تمدنی

آنچه در تاریخ اسلام تحت عنوان تجربه منفی اندلس شهرت یافته است، در واقع بیانگر تهدیدی مستمر در حوزه تمدنی اسلام است که در صورت فراگیر شدن در میان کشورهای جهان اسلام، می‌تواند زمینه بروز بحران تمدنی را فراهم کند. بنیاد این بحران تمدنی را فراموشی اصول اسلامی در نظر و عمل شکل می‌دهد که در این صورت جز فروپاشی و زوال، نتیجه دیگری در انتظار نظام‌های اسلامی نخواهد بود. اندیشمندانی مانند شکیب ارسلان و مصطفی خالدی نیز به همین آسیب تذکر داده و خطر متوجه تمدن اسلامی را نه از جهت نظامی-امنیتی، بلکه از جهت ارزشی و فرهنگی عنوان کرده‌اند. نتیجه این وضعیت، رشد و استقرار عرفی‌گرایی در نظام‌های سیاسی و دنیوی شدن تمدن اسلامی است (درخشه، ۱۳۹۰: ۴۴۶-۴۵۶).

تعصب و تحجر

به معنای یکسان‌پنداری بازگشت به اسلام، به مفهوم بازگشت به گذشته و جایگزین شدن تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان و مذاهب، به جای اصول‌گرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات (بیانات در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) است.

ضعف قدرت و آسیب‌پذیری نظامی و نابودی تمدنی

قدرت در تمامی شئون اعم از اقتصادی، نظامی، حقوقی و سیاسی ربط مستقیمی با مقوله تمدن دارد و در صورت ضعف تمدن اسلامی در حوزه اقتدار، تمدن اسلامی و کشورهای اسلامی از جهت نظامی و امنیتی و یا اقتصادی آسیب‌پذیر بوده و امکان زوال و فروپاشی آن‌ها می‌رود. علاوه بر این پیش از فروپاشی، دول اسلامی در برابر دشمنان منفعل شده و تمدن اسلامی را بی‌اعتبار می‌کنند تا فرایند افول آن رخ دهد (درخشه، ۱۳۹۰: ۴۴۶-۴۵۶).



منابع

- آیت الله خامنه‌ای، بیانات.
- اکبری، محمدتقی (۱۳۸۶). فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چ ۲.
- جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۸۶). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
- درخشه، جلال (۱۳۹۰). آفاق تمدنی انقلاب اسلامی. تهران: نشر دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- دروزه، محمد عزت (۱۴۲۱ ق). التفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول. بیروت: دار الغرب الاسلامی، چ ۲.
- غراب، سعید (۱۳۸۳). اسلام و مسیحیت. ترجمه حمیدرضا شریعتمداری. از برخورد تا گفتگو: مقالاتی درباره مناسبات اسلام و مسیحیت. تهران: لوح فکر.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹) صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- (۱۳۷۷). تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (مجموعه مقالات). کنفرانس تبیین اندیشه سیاسی امام خمینی، نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف، چ ۵.



